

معرفی و نقد کتاب

شیطانی که ما می‌شناسیم

(نحوه برخورد با ابرقدرت جدید ایران)

جواد امام جمعه زاده / محسن محمدی الموتی**

(۱۳۳-۱۵۴)



چکیده

روابط خصمانه آمریکا با ایران، پس از انقلاب اسلامی، موجب شد بسیاری از امریکایی‌ها به نگارش کتاب و مقاله درباره ایران گرایش یابند، که رابرت بائر، نویسنده کتاب *شیطانی که ما می‌شناسیم* (نحوه برخورد با ابرقدرت جدید ایران)، از این جمله است. با وجود این، باید پرسید که آیا آنان توانسته‌اند تصویری متفاوت از ایران امروز (جدید) نشان دهند (سؤال)؟

نویسنده این کتاب - هر چند کوشیده است، به منظور ترغیب دولت‌مردان امریکا به مذاکره با ایران، سیمای جدیدی از ایران، در حکم ابرقدرتی منطقه‌ای، ترسیم کند - با تهاجمی و توسعه‌طلبانه دانستن سیاست‌های ایران، عملاً، توانسته است امریکایی‌ها را به مفاهیم با ایران متقاعد کند (فرضیه).

نویسندگان مقاله حاضر کوشیده‌اند، ضمن معرفی اجمالی اثر رابرت بائر، به تحلیل آن بپردازند (روش) تا نشان دهند نوشته‌هایی چون کتاب مزبور، همچنان، به گونه‌ای ضمنی و ظریف، در پی ترسیم تصویری شیطانی از ایران‌اند (هدف). گره خوردن تصویری که امریکایی‌ها از ایران ترسیم کرده‌اند با دیدگاه‌های صهیونیستی، پی‌نبردن نویسندگان و مسئولان امریکایی به ماهیت درونی انقلاب اسلامی و کشف زمینه‌سازی‌های امریکا برای سرکوب بیشتر هلال شیعی و هارتلند آن، یعنی ایران، از نتایج این مقاله است (یافته‌ها).

واژگان کلیدی

خاورمیانه، ایران، امریکا، کشورهای حاشیه خلیج فارس، رابرت بائر

*. دانشجوی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) - Javademam@Yahoo.Com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان - m_alamooti@Yahoo.Com

از زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران تاکنون، چگونگی مناسبات ایران و امریکا همواره یکی از مسائل مهم در سیاست خارجی دو کشور بوده است. پس از انقلاب اسلامی و به ویژه پس از اشغال سفارت امریکا در تهران، روابط دو کشور به تیرگی گرایید و از آن پس سیاست‌ها و اقدامات خصمانه دولت امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، در دوره‌های گوناگون ریاست جمهوری این کشور، تداوم یافت. طراحی کودتاها، گوناگون، حمایت از گروهک‌های ضدانقلاب و تجزیه طلب، حمایت از عراق در جنگ تحمیلی، تحریم‌های تجاری و تسلیحاتی، اعمال فشارهای اقتصادی و نیز اقدام به جنگ روانی و تبلیغاتی تنها بخشی از اقدامات خصمانه دولت‌های گوناگون امریکا علیه ملت ایران، در طول بیش از سه دهه استقرار نظام جمهوری اسلامی است. در این مدت، اگرچه نشانه‌هایی از همکاری میان دو کشور در برخی موضوعات منطقه‌ای مشاهده شده، جهت‌گیری کلی سیاست خارجی امریکا در قبال ایران همواره خصمانه بوده است.

اندیشمندان در پاسخ به این پرسش اساسی که چه عامل یا عواملی موجب اتخاذ و استمرار سیاست تخصمی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران گردیده است و نحوه مواجهه سیاستمداران امریکایی با جمهوری اسلامی چگونه باید باشد تاکنون پژوهش‌های متعددی انجام داده‌اند. نظر به اهمیت موضوع، در مقاله حاضر به نقد و بررسی کتاب *شیطانی که ما می‌شناسیم*: (نحوه برخورد با ابرقدرت جدید ایران)^۱، نوشته آقای رابرت بائر، افسر سابق سازمان سیا و از کارشناسان ارشد منطقه غرب آسیا، می‌پردازیم، که به سال ۲۰۰۸ م، در ۲۷۹ صفحه، در نیویورک منتشر شده است و یکی از آثار شاخص در این زمینه به شمار می‌آید. جوهره اصلی کتاب مزبور این است که، به دلیل نگرش خصمانه سیاستمداران امریکایی به نظام اسلامی ایران و تصویری که

Archive of SID

آنان از هویت، جایگاه و نقش منطقه‌ای و بین‌المللی ایران ادراک کرده‌اند، رفتار امریکا با جمهوری اسلامی ایران رفتاری خصمانه بوده و تاکنون نیز تغییری بنیادین در آن صورت نپذیرفته است.

بدیهی است، یکی از عواملی که می‌تواند منجر به تغییر و دگرگونی رفتار امریکا در قبال ایران گردد تحولی است که باید در ادراکات و برداشت‌های تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌مداران دولت امریکا درباره جمهوری اسلامی ایران به وجود آید. از این منظر، آقای رابرت بائر در کتابش می‌کوشد با ترسیم چهره‌ای جدید از ایران، به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، خط سیری مبتنی بر گذار از تصویری شیطان‌گون از ایران به تصویری از یک ابرقدرت جدید منطقه‌ای ترسیم و بر اساس آن ضرورت تعامل با ایران جدید را به سیاست‌مداران امریکایی، به‌ویژه اوپاما، توصیه کند.

۱. معرفی نویسنده کتاب

رابرت بائر، متولد اول جولای ۱۹۵۲ م در شهر لس‌آنجلس، از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۷ م عضو سازمان سیا بوده و، با فعالیت در بخش مبارزه با تروریسم این سازمان، مأموریت‌های گوناگونی را در کشورهای هندوستان، ایران، لبنان، تاجیکستان و عراق به انجام رسانده است؛ روزهای منتهی به انقلاب اسلامی در ایران، دهه هشتاد میلادی در بیروت، سال‌های جنگ داخلی در تاجیکستان و سال‌های میانی دهه نود در عراق، که با مأموریت‌های بائر همراه بوده، از وی مأموری زبده و کارکشته برای سازمان سیا ساخته است. بائر - که به زبان‌های عربی، فارسی، فرانسه و آلمانی احاطه دارد - در سال ۱۹۹۷ م و پس از ۲۱ سال فعالیت از سازمان سیا خارج شد و به نویسندگی و تحقیق و همچنین ساختن فیلم‌های مستند روی آورد. وی - که پس از خروج از سازمان سیا کتاب‌های *به شیطان ننگر*^۱ و *در بستر شیطان*^۲ را،

1. see no devil

2. sleeping with the devil

Archive of SID

به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ م، به رشته تحریر درآورد - با سفر مجدد به ایران در سال ۲۰۰۵ م، در قالب خبرنگار کانال ۴ تلویزیون بریتانیا، به ساختن مستند آیین انتحار اقدام کرد. رابرت بائر در این مستند به نحوه شکل‌گیری و گسترش عملیات شهادت طلبانه در میان مسلمانان، به خصوص در ایران و لبنان و فلسطین، پرداخته و با ظرافت خاصی عملیات تروریستی و انتحاری رخداده در لندن و نیویورک را به فرهنگ شهادت‌طلبی مسلمانان، به ویژه ایرانیان، منتسب کرده است. وی همچنین حاصل مشاهدات و تجربیات خود را از ایران و منطقه خاورمیانه در کتاب *شیطانی که ما می‌شناسیم* (نحوه برخورد با ابرقدرت جدید ایران) در سال ۲۰۰۸ م به چاپ رساند.

۲. معرفی کتاب

نویسنده، در مقدمه، نحوه مواجهه با امپراتوری در حال رشد ایران را موضوع این کتاب معرفی می‌کند و، با اشاره به دیدارهای خود از ایران در اکتبر ۱۹۷۸ و آوریل ۲۰۰۵ م، ذهنیت امریکایی‌ها را از ایرانیان متذکر می‌شود، که عمدتاً بر روحیه انتقام‌جویی از ملت ایران و افراط‌گرایی^۱ رهبران ایرانی متمرکز است، چنان‌که برای این منظور، ماجرای گروگان‌گیری دیپلمات‌های امریکایی را در تهران شاهد مثال آورده است. او سپس تأکید می‌کند، با وجود آنکه ایران در ذهن امریکایی‌ها دشمنی است در در دست با جامعه‌ای بسته و تحت حاکمیت اسلام افراطی (مشابه اسامه بن لادن و القاعده)، به طور شگفت‌آوری توانسته است، در طول سی سال، بر بسیاری از مشکلات فراروی خود غلبه و پله‌های ترقی را طی کند، به طوری که امروز، با سوار شدن بر موج اسلام‌گرایی^۲ موجود در جوامع خاورمیانه، به منزله بازیگری خردمند، منافع ملی خود را دنبال می‌کند.

Archive of SID

نویسنده، در بخش اول این کتاب، با عنوان «تناقض ایرانی‌ها»، به مواردی اشاره می‌کند که با ذهنیت امریکایی‌ها در مورد ایرانیان تناقض دارد. او معتقد است ایران کشوری است متفاوت و ظریف، ولی متأسفانه ایالات متحده این تفاوت‌های ظریف را نمی‌بیند. از دیدگاه رابرت بائر استفاده ایرانیان از فیلم‌ها، کتاب‌ها و موزیک‌های امریکایی، بهره‌گیری آنان از فناوری‌های مدرن و نیز اینترنت، متداول بودن زبان فارسی پس از زبان‌های انگلیسی و چینی در اینترنت و تطبیق برخی شاخص‌ها در ایران با استانداردهای مدرن شناخت ایرانی‌ها را بسیار مشکل ساخته است. او معتقد است همه این‌ها درباره ایران حاکی از آن است که ایران کشوری است نوسازی شده.

بائر، در بخش دوم کتاب خود، با عنوان «چگونه ایران بر امریکا غلبه کرد»، به جریان اشغال عراق اشاره می‌کند و می‌نویسد: «همان‌گونه که تاریخ نشان داده است پیروزی نظامی [امریکا] ضرورتاً منجر به پیروزی سیاسی نمی‌شود. معارضان عراقی، که نزدیک به ۲۵ سال در ایران زندگی کرده بودند، از این کشور دستور می‌گرفتند و روحانیان ایرانی تبار در مساجد شیعی شهرهای مقدس عراق در منابرشان به محکوم کردن امپریالیسم^۱ امریکا می‌پرداختند. همچنین، گروه‌های عراقی رنج سفر به تهران را به جان می‌خریدند تا، با سوگند خود، با ایران بیعت کنند. در حقیقت، عراق چهارچوبی در اختیار ایران قرار داد تا برای ایجاد امپراتوری‌اش، سپاهی جدید از معتقدان خود فراهم کند.» وی سپس ادعا می‌کند: «نیروهای ایرانی، هرچند در ظاهر شهرهای مقدس عراق را اشغال نکردند و اعلامیه‌ای نیز برای پیروزی صادر ننمودند، با هدایت عوامل خود از پشت پرده به ایفای نقش پرداختند و مرحله به مرحله بر عراق مسلط شدند.» بائر، در ادامه، با اشاره به اینکه نفت عراق یکی از مهم‌ترین منافع امریکا در منطقه است، اذعان می‌دارد: «سقوط حکومت صدام امریکا را مجبور ساخته است موقعیت انکارناپذیر ایران را در عراق، خلیج فارس و خاورمیانه به منزله حقیقتی اجتناب‌ناپذیر درک کند.»

Archive of SID

رابرت بائر، در بخش سوم کتابش، با عنوان «طرح بزرگ: چگونه ایران به نقشه پنهان خود برای امپراتوری دست یافت»، مقاومت لبنان و عقب‌نشینی اسرائیل را، در سال ۲۰۰۰م، اتفاقی فراتر از معمول دانسته است، که برای نخستین بار در تاریخ جدید خاورمیانه به وقوع پیوسته و طی آن یک نیروی کوچک چریکی در برابر تشی کلاسیک و تجهیز شده پیروز شده است. بائر، ضمن مقایسه شکست اسرائیل در لبنان و شکست امریکا در جریان نبرد ویتنام، معتقد است اسرائیل در حالی شکست خورد که به لحاظ ایدئال بودن وضعیت سرزمین جنوب لبنان برای تانک‌هایش، تسلط هوایی بر این کشور و موارد دیگر شرایط بهتری داشت. وی همچنین با مقایسه جنگ مزبور با اشغال افغانستان به دست شوروی سابق، که به عقب‌نشینی شوروی منجر شد، می‌نویسد: «اسرائیل، برخلاف شوروی، امپراتوری‌ای نداشت که از دست بدهد، اما چیز بسیار ارزشمندی را از دست داد و آن توانایی بازدارندگی بود.»

بائر می‌گوید: «از دیدگاه اعراب، اسرائیل اکنون ضربه پذیر شده است و دیگر آن غولی نیست که تصور می‌شد.» وی در نهایت این وقایع را نتیجه فعالیت‌های ایران در لبنان، به ویژه اقدامات سپاه پاسداران، و پیوند با شیعیان لبنان می‌داند.

بخش چهارم این کتاب «از تروریسم^۱ تا سیاست قدرت: ایران چگونه در یک موقعیت قدرتمند قرار گرفت» نام دارد. نویسنده، در این بخش، رهبران ایران را عمل‌گرا، منطقی و محاسبه‌گر معرفی می‌کند و می‌نویسد: «ما در گذشته به سر می‌بریم و فکر می‌کنیم ایران دولتی تروریستی است، در حالی که این تصور مربوط به ربع قرن گذشته است و ایران امروز در آینده زندگی می‌کند.» او می‌گوید: «ما، تا زمانی که نگاهی واقعی به ایران نداشته باشیم، هرگز درک نخواهیم کرد که از دوراه مصالحه و مقابله با ایران باید کدام را انتخاب کنیم.» نویسنده، در پایان این بخش، با اشاره به اینکه ایران راهبردی عمل‌گرایانه و واقع‌گرایانه در عراق دارد، اما ایالات متحده فاقد آن است، به وجود

Archive of SID

مذهب، تاریخ و نژاد مشترک دو ملت ایران و عراق و همچنین اشتراکات اقتصادی آن‌ها می‌پردازد و اذعان می‌دارد برای عراقی‌ها تهران دارای اهمیت است، نه واشنگتن!

رابرت بائر، در بخش پنجم این کتاب، با عنوان «مهلک و مرگ‌بار: چرا تسلیحات و تاکتیک‌های ایران حتی بدون موضوع هسته‌ای این کشور را شکست‌ناپذیر کرده است»، با اشاره به ناتوانی ایالات متحده در متوقف‌سازی خیزش ایران، می‌نویسد: «جنگ علیه ایران عملی نیست زیرا امریکا برای این کار سرباز کافی ندارد، ضمن اینکه این اقدام موجب سقوط مالی‌اش خواهد شد.» وی، در ادامه، به نقل از رئیس پیشین سازمان اطلاعاتی یکی از کشورهای همسایه ایران می‌گوید: «امکان تسخیر ایران وجود دارد، اما امریکانمی‌تواند آن را حفظ کند زیرا ایران نحوه جنگ چریکی مدرن را آموخته است؛ نبرد لبنان با اسرائیل محیطی برای تمرین جنگ نامتقارن، از طریق آمیختن سلاح‌های پیشرفته و ابتدایی، بود. این مسئله امریکایی‌ها را، حتی در صورت تصرف ایران، با یک زندگی مرگ‌بار مواجه خواهد کرد.»

بائر، در ادامه، به چالش کشیده شدن سه کشتی ناوبر امریکایی را در تنگه هرمز به وسیله پنج قایق تندروی سپاه پاسداران، در جولای ۲۰۰۸ م، زنگ خطری برای امریکایی‌ها دانسته و، با اشاره به قابلیت‌های نیروی دریایی ایران در متوقف‌سازی حملات ناوهای امریکایی، خاطر نشان ساخته است که اگر ایران تنگه هرمز را مسدود کند، امریکا با بحران مواجه می‌شود.

بائر، در بخش ششم، که «مصادره راه‌های انرژی جهان» نام دارد، در پی بررسی این مسئله است که چرا ایران می‌کوشد در کوتاه‌مدت کنترل تجارت نفت و گاز جهان را در دست گیرد. وی در این بخش، با اشاره به مسائل مربوط به منطقه کردستان عراق و صادرات نفت از این اقلیم، به ویژه پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ م، اذعان می‌دارد ایران از ظرفیت اثرگذاری بر منطقه کردستان برخوردار است، هر چند ایالات متحده توانایی درک تاکتیک‌ها و راهبردهای ایران را در این منطقه ندارد.

Archive of SID

بخش هفتم این کتاب «طرح‌های ایران برای کنترل و به‌دست‌گیری نفت خلیج فارس» نام دارد. بائر، در این بخش، مدعی شده‌است که ایران بر یک سوم عراق و بخش بزرگی از نفت آن کشور، از طریق اروندرود، و بر سه شاهراه حیاتی انرژی، یعنی افغانستان و تنگه هرمز و کردستان، تسلط دارد. علاوه بر آن، ایران بر نفت خلیج فارس نیز مسلط است و قدرت نظامی برتر خلیج فارس محسوب می‌شود.

بائر، در ادامه، به بیان سناریوهای احتمالی ایران برای سرنگونی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس می‌پردازد. سناریوی نخست، از نگاه بائر، سناریویی نظامی است، که موجب برپایی جنگ بین ایران و عربستان و، به تبع آن، ایران و امریکا می‌شود؛ در این صورت، ضربات شدیدی به تأسیسات نفتی عربستان سعودی وارد خواهد شد و بازارهای جهانی نه تاده میلیون بشکه نفت را از دست خواهند داد. دومین سناریو، از دیدگاه بائر، تحریک مردم کشورهای هم‌چون امارات به تظاهرات و درخواست‌هایی مانند برگزاری انتخابات در این کشورهاست، که در این سناریو نیز احتمال درگیری نظامی بین ایران و امریکا وجود دارد.

بائر به کشور بحرین نیز اشاره می‌کند، که ایران در مدت یک ساعت توانایی اشغال آن را دارد. البته وی اذعان می‌کند که ایران نیازی به تصرف بحرین ندارد چراکه هفتاد درصد جمعیت هفتصد هزار نفری آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. از نگاه بائر، مانور کاملاً موفقیت‌آمیز ایران در سوریه، لبنان و غزه حاکی از آن است که امکان وقوع چنین اتفاقاتی در کشورهای شیخ‌نشین خلیج فارس دور از انتظار نیست.

بائر، در بخش هشتم این کتاب، با عنوان «شوالیه‌های سفید: چگونه شیعیان ایران قلوب فلسطینی‌های سنی را به دست آوردند»، می‌نویسد: «بخش در خور توجهی از خاورمیانه نظیر لبنان، عراق، افغانستان، بحرین و امارات از سنی تا شیعه و عرب تا ترک و حتی مناطق بی‌ثباتی همچون غزه تحت نفوذ ایران است.» او می‌نویسد: «نفوذ ایران بر

Archive of SID

فلسطینی‌ها انکارناپذیر است، چنان‌که بیش از نیمی از آنان نظر مساعدی به ایران دارند و ۵۸ درصد آن‌ها از توسعه هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند. «از نظر او، ایران تنها در کرانه باختری و نوار غزه نیست که اسلام سنی را به عقب‌نشینی تدریجی واداشته، بلکه در مناطق سنی‌نشین کردستان عراق نیز نفوذ چشمگیری یافته‌است. بائر همچنین می‌نویسد: «حماس را می‌توان سومین دو مینوی ایران، پس از لبنان و جنوب عراق، دانست.» او معتقد است، پس از این سه مورد، اردن و مصر، که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند، در برنامه ایران قرار دارند. از نظر او در صورت موفقیت ایران اسرائیل کاملاً در محاصره قرار خواهد گرفت، که پس از حمله اتمی می‌تواند بزرگ‌ترین تهدید علیه اسرائیل باشد.

رابرت بائر در بخش نهم این کتاب به چرایی ترویج و گسترش تشیع در خاورمیانه می‌پردازد. وی معتقد است طی چهار دهه گذشته سه جریان سیاسی‌نشست گرفته از اسلام سنی - یعنی ناسیونالیسم عربی، بنیادگرایی سنی و ناسیونالیسم اسکولار - در جلب و تهییج احساسات ملت‌های منطقه، شکست اسرائیل و بیرون راندن استعمارگران غربی شکست خورده‌اند و، در برابر، ایران توانسته خلائی را که به موجب بروز این ناکامی‌ها پدید آمده‌است، در سرتاسر خاورمیانه، پر کند. از نگاه بائر، اسلام سنی فاقد سلسله‌مراتب روحانیت و فاقد هرگونه اقتدار مرکزی واقعی، اعم از مذهبی و سیاسی، است. اسلام سنی مدرن هیچ‌گاه نیرویی متحدکننده یا به‌ارمغان‌آورنده نظم برای خاورمیانه نبوده‌است. به نظر بائر، بنیادگرایان سنی، با تأکید بر پابندی شدید بر شریعت، از بیان تحت‌اللفظی قرآن فراتر نرفته‌اند و الگویی پراگماتیک، یا مبتنی بر قانون اساسی، برای پیروان خود ندارند. در مقابل، تشیع ویژگی منحصر به فردی به نام اجتهاد دارد، که موجب می‌شود شیعه بتواند بسیار بهتر خود را با اوضاع قرن بیست و یکم سازگار کند.

بائر بخش دهم این کتاب را «فداکاری نهایی: شهادت، بمب‌های انتحاری و نبرد برای روح اسلام» نامیده‌است و در آن به این نکته اشاره می‌کند که از نگاه ایران حملات

Archive of SID

انتحاری ابزاری برای مقاصد و تاکتیک‌های نظامی در صحنه جنگ‌اند، در حالی که سنی‌های تکفیری از بمب گذاری انتحاری برای دستیابی به اهدافی مبهم استفاده می‌کنند. بائر، در پایان این بخش، با اشاره به اینکه القاعده و تکفیری‌ها تهدیداتی هستند که سال‌هاست با آن‌ها مناقشه داریم، می‌نویسد: «مادامی که این بخش از مسلمانان را با کلیت مسلمانان یکسان فرض کنیم قادر به تفکیک دوست از دشمن نخواهیم بود.» وی معتقد است که هیچ راهی برای مذاکره با این دسته از مسلمانان (سنی‌های تکفیری) وجود ندارد و اطمینان می‌دهد که سنی‌های تکفیری، مانند دیگر جنبش‌های رادیکالی سنی، حذف می‌شوند و دیگر مسلمانان در مقابل آن‌ها به پامی خیزند.

بخش یازدهم و پایانی این کتاب، با عنوان «حافظه‌ها محو نخواهد شد»، به دنبال پاسخ به این سوال است که ایران واقعاً در پی چیست. بائر، با اشاره به گفت‌وگوهای مقامات ایرانی و امریکایی در سال ۲۰۰۷م در بغداد، خواسته‌های ایران از امریکارا منطقی و معقول می‌داند، که عبارت‌اند از: (۱) اذعان امریکا به نقش ایران در عراق و حصول اطمینان ایران از کشیده نشدن هرج و مرج به مرزهایش و (۲) تضمین امریکا در خصوص دخالت نکردن در امور داخلی ایران.

وی، با تأکید بر اینکه این دو خواسته برای امریکایی‌ها ناآشنا نیست، اذعان می‌دارد که ایرانی‌ها با این درخواست‌ها در واقع می‌خواهند خود را تنها قدرت منطقه‌ای نشان دهند و تأکید مطرح کنند که مسئولیت حفظ امنیت و استقرار منطقه بر عهده آن‌هاست و از این حیث می‌توان بدیشان اعتماد کرد.

بائر سپس سؤال مهم دیگری را مطرح می‌کند و آن اینکه آیا ما (امریکایی‌ها) می‌توانیم به آن‌ها (ایرانی‌ها) اعتماد کنیم. سپس در پاسخ می‌گوید: این غیرممکن است که بتوان به آنچه در ذهن ایرانی‌ها می‌گذرد پی برد. به همین دلیل ما (امریکایی‌ها) باید به دنبال آتش‌بس با ایران باشیم و برای حل مسائل با آن‌ها مذاکره کنیم تا اختلافات موجود، در یک بازه زمانی مشخص، حل شود و بحران بین دو طرف کاهش یابد؛ شاید از این طریق بتوانیم به دستاوردهای دیگری نیز دست یابیم. رابرت بائر سرانجام خواسته‌های

Archive of SID

ایران را در محورهایی چون امنیت داخلی، عراق، انرژی و امپراتوری یادآور می‌شود و تأکید می‌کند که، از نظر راهبردی و سیاسی، همکاری با ایران و بدل شدن این کشور به ژاندارم منطقه خلیج فارس به سود امریکاست.

رابرت بائر، در قسمت نتیجه‌گیری کتاب، با اشاره به وجود جنگی سی ساله بین ایران و امریکا، ایران را از دید ایالات متحده کشوری می‌داند که تندر و های مذهبی آن را اداره می‌کنند و حامی گروه‌ها و اقدامات تروریستی است. او معتقد است در همین زمان ما (آمریکایی‌ها) تبدیل ایران را به دولتی محاسبه‌گر و عقلانی فراموش کرده‌ایم. همچنین، می‌نویسد: «هم‌اکنون وقت آن است که تشخیص دهیم ایران امروز در مقایسه با فوریته سال ۱۹۷۹ م چگونه است.»

بائر، درخصوص ایران، به سه گزینه کلی فراروی ایالات متحده اشاره می‌کند، که عبارت‌اند از: (۱) مهار ایران، (۲) شعله‌ور ساختن جنگ داخلی بین شیعه و سنی و (۳) حل و فصل مسائل با ایران. وی، با ناکارآمد شمردن گزینه‌های مهار ایران و شعله‌ور ساختن جنگ شیعه و سنی، تنها راه حل واقعی برای آمریکا را راهکار سوم می‌داند، هر چند اعتراف می‌کند: «این سخت است که بپذیریم در عراق شکست خوردیم و اکنون به کمک ایران احتیاج داریم.» از نگاه بائر، پذیرش تفوق ایران در خاور میانه برای آمریکا شبیه به خوردن دارویی تلخ است. وی همچنین با بیان هزینه‌هایی که ایالات متحده برای نگهداری خاندان سعودی در قدرت متحمل می‌شود و نیز هزینه‌های بیش از دوتریلیون دلاری تحمیل شده بر آمریکا در طی یک دهه جنگ در عراق و افغانستان می‌گوید: «این وضعیت تا کجا می‌تواند ادامه داشته باشد؟ ما (امریکا) می‌توانستیم چنین هزینه‌ای را صرف منابع جایگزین انرژی کنیم.»

بائر، با ناکارآمد دانستن تحریم‌ها علیه ایران، می‌گوید: «تحریم‌های مؤثر علیه ایران رؤیایی بیش نیست، چنان‌که حکومت ایران پس از سی سال تحریم همچنان پابرجاست و برحی می‌جدان نردیک امریکا، مثل ترکیه و ژاپن، به گونه‌ای با ایران به مبادلات تجاری می‌پردازند که گویا تحریمی علیه ایران وجود ندارد.» وی ادامه می‌دهد: «اکنون وقت آن

Archive of SID

رسیده است که ایالات متحده از غرور دست بردارد و، با اتخاذ سیاستی واقع‌بینانه، راه همکاری با ایران را به منظور افزایش امنیت خلیج فارس کشف کند.» بائر می‌گوید: «شواهدی که هم‌اکنون در دست داریم نشان می‌دهد می‌توانیم با ایران وارد معامله شویم زیرا ایرانی‌ها همانند سنی‌های تکفیری، که حتی نمی‌توانیم اندکی با آن‌ها صحبت کنیم، نیستند.» وی بار دیگر بر این گزاره تأکید می‌کند که آمریکا مجبور است بر پیش‌دآوری‌های خود، که ریشه در گذشته دارند، غلبه کند. بائر، در نهایت، تنش‌زدایی بین آمریکا و ایران را، در قالب یک فرایند گام‌به‌گام، عملی می‌داند و تأکید می‌کند که اتحاد آمریکا با ایران از مهم‌ترین تغییر سیاست‌ها در تاریخ مدرن خواهد بود و به اندازه پرواز نیکسون به چین، در سال ۱۹۷۲ م، دارای اهمیت است.

۳. نقد کتاب

کتاب *شیطانی که ما می‌شناسیم* (نحوه برخورد با ابرقدرت جدید ایران)، اثر یکی از مأموران سابق سازمان سیا، به نام رابرت بائر، درباره ایران و سیاست‌های منطقه‌ای آن است، که با اشاره به ضرورت تغییر در ذهنیت و ادراک سیاست‌مداران آمریکایی می‌کوشد تصویری جدید از ایران به منزله ابرقدرتی منطقه‌ای ترسیم و، براساس آن، سیاست‌مداران آمریکایی را به تعامل با ایران متقاعد کند. مطالعه این کتاب از آن روی که ما را از نحوه تلقی دشمن از کشور ایران و چگونگی تحلیل آن‌ها از سیاست‌ها و منابع قدرت ایرانیان آگاه می‌کند می‌تواند سودمند باشد.

در اینجا، ابتدا، از حیث محتوایی، به برخی نکات مثبت و منفی این کتاب اشاره می‌کنیم و سپس، با تفصیل بیشتر، به بررسی و نقد آن می‌پردازیم:

الف - نکات مثبت

۱) **آزادگان نویسنده** به ذهنیت نادرست سیاست‌مداران آمریکایی از ایران: رابرت بائر ایران را فرسنگ‌ها دورتر از تصویری که آمریکایی‌ها از آن ترسیم کرده‌اند، یعنی

Archive of SID

کشوری وحشی و خون‌ریز، و بلکه بازیگری عاقل و حرفه‌ای در مسابقه بین ملت‌ها دانسته و تأکید کرده‌است که ایران هرگز حکومتی توتالیتر، بارهبری فاشیست‌های اسلامی، نیست.

۲. اعتراف به ناکارآمدی سیاست‌های تقابلی امریکا در قبال ایران: رابرت بائر تحریم‌های مؤثر علیه ایران را رؤیا و نشان آن را پایداری حکومت ایران پس از سی سال دانسته‌است.

۳. اذعان به نقش راهبردی و تفوق ایران در منطقه غرب آسیا: بائر تنها راه‌حل واقعی برای امریکارا حل و فصل مسائل این کشور با ایران دانسته و تأکید کرده‌است اکنون وقت آن رسیده که ایالات متحده از غرور دست بردارد و تفوق ایران را در غرب آسیا بپذیرد.

۴. اذعان به منطقی و عمل‌گرا بودن رهبران ایران و نقش آن‌ها در امنیت منطقه: بائر معتقد است رهبران ایران افرادی منطقی و باحساب و کتاب‌اند و نیز ایران بازیگری منطقی است، که با خون‌سردی و به‌طور سیستماتیک منافع ملی خود را دنبال می‌کند.

۵. اعتراف به شکست سیاست‌های امریکا در خلیج فارس: بائر، در کتابش، به سیاست‌مداران امریکایی توصیه می‌کند هر چه سریع‌تر با ایران به تفاهم برسند و به شکست خود در خلیج فارس اعتراف کنند.

۶. اذعان به توسعه و پیشرفت ایران: بائر، در این کتاب، ایران را کشوری مدرن و توسعه‌یافته دانسته‌است.

ب - نکات منفی

۱. مخدوش نشان دادن گذشته جمهوری اسلامی ایران: بائر، به‌طور تلویحی و با اشاره به وقایعی مانند ماجرای لانه جاسوسی و بمب‌گذاری‌های لبنان، گذشته نظام را مخدوش نشان داده‌است.

۲. متهم کردن ایران به جنگ‌افروزی برای تسخیر خاورمیانه: بائر بیان داشته‌است که ایون با جنگ‌افروزی و به کمک عوامل خود، نظیر حزب‌الله لبنان، در حال تسخیر آرام خاورمیانه است و این‌گورا به دیگر مناطقی نیز صادر کرده‌است.

Archive of SID

۳. ادعای تمایل ذاتی ایرانیان به داشتن امپراتوری: از دیدگاه بائر، ایران قصد دارد بار دیگر امپراتوری گذشته‌اش را زنده کند زیرا آنچه در اعماق روح یک ایرانی وجود دارد میل شدید به داشتن امپراتوری است.

۴. ادعای طمع ایران برای تصرف حوزه‌های نفتی خلیج فارس: بائر معتقد است که ایران، به دلایل گوناگون، در پی تصرف حوزه‌های نفتی عراق و عربستان است.

۵. تهدید دانستن ایران برای حکومت‌های عرب منطقه: بائر یکی از بخش‌های کتاب خود را به سناریوهای ایران برای سرنگونی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس اختصاص داده و جمهوری اسلامی را تهدیدی برای این شیخ‌نشین‌ها دانسته است.

ج - نقد و بررسی

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، نویسنده این کتاب کوشیده است، با تقسیم دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دو مقطع قدیم و جدید، ایران را در مقطع قدیم حامی تروریسم و افراط‌گرایی و در مقطع نوین متفاوت با آن جلوه دهد و از این طریق، به گونه‌ای ضمنی و غیرمستقیم، گذشته جمهوری اسلامی ایران را مخدوش نشان داده، وانمود کند که این سابقه مخدوش موجب شکل‌گیری تصویری خصمانه از ایران در ذهن سیاست‌مداران امریکایی شده است. لزوم تغییر در ذهنیت و ادراک سیاست‌مداران امریکایی گزاره‌ای است که رابرت بائر می‌کوشد، آن را با ارائه تصویری جدید از ایران به منزله ابرقدرتی منطقه‌ای، ترسیم و بر اساس آن ضرورت مذاکره با ایران جدید را گوشزد کند. نکته اساسی در اینجا این است که اگرچه رابرت بائر با اشاره به پیشرفت‌های کشور و با استناد به شواهدی که در منطقه یافته است، موفقیت‌های حزب‌الله لبنان را در مواجهه با رژیم صهیونیستی و نیز مشکلات امریکارا در عراق نتیجه سیاست‌های ایران معرفی می‌کند و آن را دلیلی بر قدرت ایران در منطقه می‌داند، از سوی دیگر، می‌کوشد، با بیان برخی ادعاهای غیرواقعی، سیاست‌های منطقه‌ای ایران را تهاجمی و توسعه‌طلبانه معرفی کند. بیان ادعاهایی نظیر میل ایران به داشتن امپراتوری ایرانیان، تسخیر آرام

Archive of SID

خاورمیانه، جنگ افروزی عوامل ایران در منطقه، کنترل بخش بزرگی از عراق، نفوذ در بسیاری از کشورهای غرب آسیا، کنترل شیر اصلی نفت منطقه و سناریو چینی برای سرنگونی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس گواهی بر این مدعاست. حال، پرسش اساسی اینجاست که آیا این برداشت از سیاست خارجی ایران در منطقه با واقعیت سازگار است و آیا ارائه چنین تصویری، که به منظور ابرقدرت نشان دادن ایران در منطقه صورت پذیرفته است، سیاست‌مداران امریکا را به تعامل و مفاهمه با ایران متقاعد می‌سازد.

در پاسخ به سؤالات فوق باید گفت که، با وجود اذعان رابرت بائر به برخی واقعیت‌های انکارناپذیر در مورد توسعه و پیشرفت ایران و برخی تحولات منطقه‌ای، اولاً وی به ماهیت واقعی اهداف ایران در سیاست خارجی، به ویژه در منطقه غرب آسیا، پی نبرده است و ثانیاً، به اعتقاد نگارندگان، ترسیم وجهه‌ای تهاجمی و توسعه‌طلبانه از سیاست‌های منطقه‌ای ایران ضرورتاً متقاعد شدن سیاست‌مداران امریکایی به تعامل با ایران را در پی ندارد؛ جمهوری اسلامی ایران اساساً، به دلیل مبانی دینی و هویتی خود، هیچ‌گاه به دنبال ایجاد امپراتوری، سرنگونی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس یا تسلط بر منابع نفتی منطقه نبوده و نیست. منطق جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است، که بر اساس اصل ۱۵۲ قانون اساسی، از اصول اولیه و مهم سیاست خارجی کشور محسوب می‌شود. رهبران انقلاب نیز همواره بر این مهم تأکید کرده‌اند، چنان‌که امام خمینی علیه السلام، در این باره، می‌فرماید:

ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه‌های آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه:

لا تظلمون ولا تظلمون (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶۶).

همچنین مقام معظم رهبری، که همواره بر این اصل مهم تأکید دارد، می‌فرماید:

منطق انقلاب، که منطق اسلام است، لا تظلمون ولا تظلمون است... نظام سلطه، با همان سازوکار مشخص دنیا به ظالم و مظلوم، جنگ، فقر و فساد را گسترش

می‌دهد. انقلاب اسلامی می‌آید می‌گوید لا تظلمون ولا تظلمون؛ یعنی، همه این

Archive of SID

به علاوه، برخلاف دیدگاه آقای بائر، افزایش حضور ایران در منطقه در واکنش به حضور مستقیم نیروهای امریکایی در محیط فوری و بلافصل امنیتی ایران و تهدیدات ناشی از آن و نیز در چهارچوب حفظ امنیت ملی کشور و بر اساس راهبردهای دفاعی و به منظور پیشگیری از تهدیدات امنیتی آینده بوده است، نه میل به داشتن امپراتوری. در واقع، ایران با افزایش حضور خود در منطقه و در پیش گرفتن سیاست امنیتی به هم پیوسته می‌کوشد چالش‌های جدید امنیتی فراروی خود را دفع و در تثبیت نظم سیاسی و امنیتی جدید در محیط اطراف خود مشارکت کند؛ همچنین، با در پیش گرفتن سیاست دفاع فعال و از طریق حضور مؤثر در تحولات سیاسی و امنیتی منطقه تلاش می‌کند امنیت نسبی خود را، در شرایط خاص ناامنی پس از اشغال افغانستان و عراق، افزایش دهد تا هم تهدیدات امنیتی ناشی از حضور مستقیم امریکا در منطقه را دفع کند و هم تهدیدات ناشی از تغییرات احتمالی ژئوپولیتیک منطقه را (برزگر ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۵۳).

از سوی دیگر، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، اگر اهداف و سیاست‌های ایران در منطقه، آن‌گونه که رابرت بائر ترسیم کرده است، تهاجمی و توسعه‌طلبانه باشد، ضرورتاً سیاست‌مداران امریکایی به تعامل با ایران متقاعد نمی‌شوند. به عبارت دیگر، نتیجه چنین برداشتی از سیاست‌های ایران - بر اساس نظریه رئالیسم تهاجمی، که برخلاف شعارهای لیبرالیستی سیاست‌مداران امریکایی راهنمای عمل بسیاری از آنان بوده است (مرشایمر ۱۳۹۰: ۲۹) - می‌تواند تلاش برای کنترل بیشتر ایران باشد، نه ضرورتاً مفاهمه و مذاکره با ایران زیرا اگر عملکرد ایران، در سیاست خارجی، تهاجمی در نظر گرفته شود - به این معنا که ایران عامدانه سعی در تهدید امنیت دولت‌های دیگر داشته باشد و هدف اصلی خود را ایجاد امپراتوری و افزایش قدرت خود، به بهای کاهش قدرت سایر بازیگران دارای منافع در منطقه، بداند - قاعداً باید با واکنش منفی بازیگران دارای منافع در منطقه، به منظور مهار قدرت ایران، مواجه شود.

این برداشت غیر واقع‌بینانه و نادرست رابرت بائر، از ماهیت واقعی سیاست خارجی ایران در منطقه، خود، می‌تواند یکی از موانع همکاری ایران و امریکا در منطقه باشد.

Archive of SID

از همین منظر، نقد دیگری نیز بر این کتاب وارد است؛ در حالی که جمهوری اسلامی ایران یکی از اهداف مهم سیاست خارجی خود را اتحاد کشورهای اسلامی می‌داند و سیاست‌های خود را در این حوزه مبتنی بر آموزه‌های دینی و تأکیدات قانون اساسی طراحی و اجرا می‌کند، آقای بائر در بخش‌های هشتم و نهم کتابش، به شیوه‌ای اغراق‌آمیز، به بیان چگونگی تسخیر قلوب فلسطینی‌های سنی و چگونگی ترویج و گسترش تشیع پرداخته و، با مطرح کردن ایده امپراتوری شیعه، کوشیده است نوعی «شیعه‌هراسی» را تقویت کند. بدیهی است چنین نگاهی به ایران شیعی در بروز نگرانی نخبگان سنی جهان عرب از ایران اثرگذار بوده، که نمونه آن، پیش از این، در قالب مفهوم «هلال شیعی» ظهور و بروز یافته است.

مقام معظم رهبری، در سخنان خود در تاریخ ۱۳۸۶/۱/۱، در این باره، می‌فرماید:

در مورد نفوذ شیعه و ترویج تشیع از سوی ایران و هلال شیعی و از این حرف‌ها شایعه‌پراکنی می‌کنند. یکی از شعبه‌های جنگ روانی این‌هاست. می‌خواهند اولاً بین ملت ایران اختلاف بیندازند و ثانیاً بین ملت ایران و ملت‌های دیگر مسلمان اختلاف بیندازند.

ایشان همچنین در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۲۸، در دیدار با میهمانان شرکت‌کننده در

چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع)، می‌فرماید:

نگرانی جدی دیگر قدرت‌های استکباری گسترش اسلام جهاد، اسلام استقلال، اسلام غیرت و هویت، اسلام مخالف سلطه بیگانگان از ایران به نقاط مختلف دنیای اسلام است و، بر همین اساس، ایجاد اختلاف میان ایران و دیگر کشورهای اسلامی از اهداف جدی دشمنان در این مقطع است.

نکته جالب در خصوص مطالب فوق این است که آقای بائر - در مصاحبه‌ای که با هفته‌نامه لبنانی الشراع، چند سال پس از نگارش کتاب شیطنی که ما می‌شناسیم و به دنبال تحولات رخ داده در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا، انجام داد - در پاسخ به این سؤال که آیا نظریه سابق شما در مورد تسلط ایران شیعه بر غرب آسیا تغییر یافته است می‌گوید:

Archive of SID

این نظریه (ایده امپراتوری شیعه) کاملاً از میان رفته و هیچ اثری از آن نمانده است. ما اکنون در زمانه انقلاب‌های سنی مذهب عرب به سر می‌بریم؛ چشم‌انداز خلافت اسلامی بار دیگر خود را نشان داده است (الحمودی ۱۳۹۰: www.irandiplomatic.ir).

بر این اساس، می‌توان گفت ایده امپراتوری شیعه، که از اساس ایده نادرستی است، به منظور اختلاف‌اندازی میان مسلمانان ترویج یافته و هدف از طرح آن تحریک مسلمانان سنی مذهب علیه شیعیان بوده است، چنان‌که مطالبی نظیر نمودار شدن چشم‌انداز خلافت اسلامی، توانایی اخوان المسلمین در پاک‌سازی خاورمیانه و حاضر نشدن کشورهای اسلامی به پیروی از الگوی جمهوری اسلامی، که رابرت بائر در مصاحبه پیش گفته بدان اشاره کرده است، به منظور تحریک ملت‌های شیعه علیه جوامع سنی و، در نتیجه، اختلاف‌افکنی میان مسلمانان بیان شده است.

نکته دیگری که می‌توان درباره مباحث بخش دهم کتاب شیطان‌ی که ما می‌شناسیم، از حیث محتوایی، عنوان کرد مقوله مناقشه متمادی امریکا با جنبش‌های تکفیری و فراهم نبودن امکان مذاکره با آن‌ها برای امریکایی‌ها و همچنین مقوله شهادت‌طلبی و عملیات انتحاری است.

در خصوص مورد نخست باید گفت اگرچه امریکا پس از حوادث یازده سپتامبر در پی ایجاد مشروعیت برای خود، تحت لوای مبارزه با تروریسم و امن کردن فضای جهان از افراطی‌گری بود، در تناقضی آشکار با سیاست‌های اعلامی خود رسماً در سوریه به حمایت از گروه‌های افراطی و تروریستی پرداخت و، ضمن نقض هنجارها و قواعد بین‌المللی، برای سرنگونی دولت بشار اسد تلاش کرد. این امر موجب گردید، به دنبال وقایع سوریه، حمایت بین‌المللی از راهبرد کلان امریکا در دوران پس از جنگ سرد، که تحت عنوان مبارزه با تروریسم توانسته بود در جریان حمله به افغانستان و عراق حامیانی در میان کشورهای جهان پیدا کند، فروریزد.

درباره شهادت‌طلبی نیز باید گفت اگرچه رابرت بائر سعی کرده است به تمایز فرهنگ شیعه، در خصوص موضوع شهادت‌طلبی، با آنچه سنی‌های تکفیری، تحت

Archive of SID

عنوان عملیات انتحاری، مطرح می‌کنند اشاره کند، برداشت وی از این مفاهیم ناقص است، چنان‌که این نقص در مستندی که وی با عنوان آیین/انتحار ساخته است نیز مشاهده می‌شود. در این خصوص باید گفت دین اسلام، که برای سعادت دنیا و آخرت انسان نازل شده است، حق حیات را اساسی‌ترین حق انسان به شمار می‌آورد و، ضمن پرهیز دادن از افراط و تفریط، کسی را که از روی عمد انسانی را بکشد مستوجب عذاب جهنم می‌داند. پرواضح است که چنین دینی هرگز نمی‌تواند مشوق و مؤید عملیات انتحاری باشد؛ از این رو، عملیات انتحاری طبق ادله‌ای که از آیات قرآن کریم (ر.ک. نساء: ۲۹؛ بقره: ۸۴؛ اسراء: ۲۳؛ بقره: ۱۹۵) و روایات اسلامی استنباط می‌شود مطلقاً حرام است. البته این امکان نیز وجود دارد که برداشت سطحی و تبلیغاتی غیر واقعی و عوام‌فریبانه گروهی از علمای متعصب و مقدس‌مآب و ظاهر‌نما موجب گردد، به جای مطرح شدن واقعیت‌های دینی و مذهبی، اقداماتی غیر معقول و بی‌هدف، به‌ویژه در کشورهای اسلامی، صورت گیرد.

از سوی دیگر، از دیدگاه اسلام، به همان اندازه که عملیات انتحاری پدیده‌ای مذموم است و اقدام‌کنندگان به آن دچار عواقب سخت و عذاب اخروی می‌گردند، عملیات استشهادی امری بافضیلت و بارزش معرفی شده است، به طوری که - با توجه به مشروعیت شهادت طلبی در آیات قرآن کریم (توبه: ۱۱۱؛ بقره: ۲۰۷؛ توبه: ۴۱؛ انفال: ۶۰)، روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام و نیز لسان فقهای شیعه و سنی - اقدام‌کنندگان به این نوع عملیات از پاداش اخروی برخوردار خواهند بود (ملا محمد علی ۱۳۸۵: ۲۰۸-۲۱۵).
براین اساس، عملیات استشهادی به اقدامی گفته می‌شود که شخص با قصد قربت و با علم به شهادت و با هدف ضربه زدن به دشمن و با فرض اینکه راه دیگری وجود ندارد به انجام آن مبادرت می‌ورزد (ورعی ۱۳۸۲: ۳۱۲). در واقع، از دیدگاه اسلام، عملیات استشهادی و عملیات انتحاری، هم از نظر ماهیت و هم از نظر محتوا، بایکدیگر متفاوت اند؛ بدین معنا که عملیات استشهادی مبتنی است بر ادله جهاد دفاعی و مشروع و هدف اصلی از آن دفاع از کیان اسلام، دین، مال و ناموس مسلمانان است و نیز

Archive of SID

امری است عقلایی و مبتنی بر ایمان عمیق و قوی و بر نامه‌ریزی و تحت نظر رهبر جامعه اسلامی. این نوع عملیات به منظور اعتلای کلمه‌الله انجام می‌گیرد و هدف از آن هراس و نابودی دشمن کافر و اشغالگر است و نه مردم بی‌گناه، در حالی که در عملیات انتحاری شخص بدون هدفی مقدس و والا و تنها بر اساس علل مادی یا روحی، از نوع تخریبی، و کاملاً از روی سستی ایمان دست به این اقدام می‌زند (محقق داماد ۱۳۸۹: ۲۵).

از حیث روشی، این کتاب، بیش از آنکه اثری تئوریک و پژوهشی نظری در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی محسوب شود، روایت میدانی یک مأمور کارکشته سازمان سیا از ایران و تحولات منطقه‌ای پیرامون آن است، چنان‌که، از جنبه تئوریک، در این کتاب فقط متغیر ادراک سیاست‌مداران برجسته شده و این ایده مد نظر قرار گرفته است که تنها با اصلاح برداشت‌ها می‌توان شاهد تغییر در رفتار سیاست خارجی بود. اگرچه این ایده کم‌وبیش صحیح است و برخی صاحب‌نظران، نظیر رابرت جرویس، نیز - که اعتقاد دارد ریشه بسیاری از کشمکش‌های مهم در حوزه سیاست برداشت‌های متفاوت است (31: Jervis 1976) - بر همین عقیده‌اند، از منظر جامع‌تر نیز می‌توان تغییر رفتار سیاست خارجی دولت‌ها را بررسی کرد.

بر این اساس، از آنجا که رفتار سیاست خارجی کشورها تابعی از منابع و عناصر شکل‌دهنده سیاست خارجی است و از آن اثر می‌پذیرد، با بررسی منابع و عناصر شکل‌دهنده سیاست خارجی می‌توان به علل و عوامل تداوم و حتی تغییر و تحول در رفتار سیاست خارجی کشورها پی برد. در این خصوص، استفاده از مدل جیمز روزنا می‌تواند مفید باشد. وی از جمله اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل است که با ارائه مدلی پنج‌گانه - مشتمل بر منابع فردی، ملی، حکومتی، نقش‌گرایانه و بین‌المللی - ما را قادر می‌سازد به تحلیل تداوم و تغییر در حوزه رفتار سیاست خارجی کشورها بپردازیم و بسیاری از متغیرهای دخیل در این موضوع را، در قالب الگوی پنج‌گانه فوق، بررسی کنیم (rosenau 1971: 95-150). از این منظر، نگاه رابرت بائر را می‌توان در قالب منابع فردی، که روزنا آن را یکی از منابع شکل‌دهنده سیاست خارجی کشورها می‌داند، قرار داد زیرا

Archive of SID

محیط ذهنی و ادراکی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی کشورها در ذیل منابع فردی شکل‌دهنده سیاست خارجی کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد. پرواضح است که موضوع مناسبات ایران و امریکا پیچیده‌تر از آن است که صرفاً با اتکا بر متغیر ادراک تبیین پذیر باشد. به عبارت دیگر، مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی چون تضاد ارزشی، توانایی ایران اسلامی در ارائه پارادایم مستقل توسعه به سایر کشورهای در حال توسعه و مسلمان و مباحثی نظیر استراتژی بنیادی امریکا در منطقه سبب بروز چالش‌های ذاتی و جدی میان ایران و امریکا گردیده است (حبیبی ۱۳۸۷: ۱۳۶)؛ از این رو، لازم است متغیر ادراک با ابتنا بر مباحث عمیق‌تر در مناسبات ایران و امریکا مورد توجه قرار گیرد.

در مجموع، همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، مطالعه این کتاب از جهات گوناگون می‌تواند سودمند واقع شود، هرچند بدیهی است که نباید انتظار داشت تحلیل و برداشت نویسنده کتاب از ایران و سیاست‌های منطقه‌ای آن منصفانه و غیر مغرضانه باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

- امام خمینی (۱۳۷۸). صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع) ج ۱۴.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، ش ۱، بهار، ص ۱۱۳-۱۵۴.
- حبیبی، حمید (۱۳۸۷). «ایران و امریکا: تقابل راهبردی یا تاکتیکی»، فصلنامه مریبان، ش ۲۹، پاییز، ص ۱۳۶-۱۶۵.
- الحمودی، اکرم (۱۳۹۰). «آخرین تحلیل سیا از اوضاع سوریه (مصاحبه با رابرت بائر)»، هفته‌نامه الشراع، لبنان، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۲، به نقل از: پایگاه خبری-تحلیلی ایران دیپلماتیک، (irandiplomatic.ir)، اول بهمن، کد خبر: ۱۰۲۳۶.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۹). «بررسی فقهی و حقوقی عملیات استشهادی و عملیات انتحاری»، نامه الهیات، سال چهارم، ش ۱۲، پاییز، ص ۵-۲۶.

Archive of SID

مرشایمر، جان (۱۳۹۰). *تراژدی سیاست قدرتهای بزرگ*، ترجمه غلامعلی چکنی زاده، تهران، وزارت امور خارجه.

ملاحمدعلی، امیر (۱۳۸۵). *مبانی فقهی عملیات استشهادی*، قم، زمزم هدایت.

ورعی، سیدجواد (۱۳۸۲). «مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۲۷، بهار، ص ۳۱۲-۳۴۷.

Jervis, Robert (1976). *perception and misperception in international politics*, Princeton.nj, Princeton university.

Rosenau, James (1971). *the scientific study of foreign policy*, new York, the free.

www.leader.ir